

داشت بدرگاه سلطان بحر و بر

سلطان محمد دامت خلافته

(1) عرضه داشت بنده کترین بدرگاه عالمپناه<sup>1</sup> خلد الله تعالی سلطانته و ابد کمال ابهته علی مفارق المسلمین الی یوم الدین<sup>1r</sup> عرضه میدارد که پیش ازین (2) بدرگاه فلك اشتباه اعلام نموده بود که ازین طرف حرازه حسین (3) متواتر هر قضیه که واقع می شود پیوسته بحسن بیک اعلام میدارند (4) اطلاع چنین یافته بود که سه کس اند یکی آنچه<sup>1</sup> متحصن<sup>2r</sup> بود بجا آورده الحاله هذه (5) درین ولاکه در شهر تبریز در دروازه ری شخصی بنسبت پهلوان نظام شه نامه خوان (6) پسر او که درین طرف امین محمد قصه خوان است ازین جانب کتابتی چند (7) بحسن بیک فرستاده این چنین فساد و فتنه انگیخته آن حرازه پیوسته بر سر انکارست (8) این فتنها هم بی شبهه از انکیز اوست و دیگر خواهد بود زیاده (9) تصدیع نمود که ارکان دولت استوار و پاینده باد بمنه تمه

<sup>1</sup> بنده کترین

شیخ چوبان علی اقا<sup>3r</sup>

<sup>1</sup> Hervorgehoben am Anfang des Dokumentes, oberhalb der 1. Zeile des Textes geschrieben; gehört hierher. <sup>2</sup> Undeutlich geschrieben; vielleicht als متحصص zu lesen. <sup>3</sup> In die untere linke Ecke des Dokumentes geschrieben.